

## « كنه الاواه في الفناء في الله »

یا

## « فصل الخطاب » خواجه محمد پارسا

\* محمد سوری

(قم)

در مجموعه نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه نمازی خوی (ش ۵۳۵) کتابی عرفانی به فارسی و عربی وجود دارد به نام «کنه الاواه فی الفناء فی الله» که نویسنده گمنام آن باگردآوری مطالبی از کتاب‌های مهم عرفانی آن را به سامان رسانده است و به تعبیر خودش:

[...] اما بعد فهذا كتاب جمعته من الكتب المعتبرة الذي [كذا] هي عمدة كتب الحقايق ورمز الدقايق... كاحياء العلوم للامام الغزالي و كيمياء السعادة له، و شرح اسماء الله الحسنی له، و آداب المریدین للشيخ شهاب الدين السهروردي (؟) و عوارف المعارف لابی طالب المکی (؟)، و كتاب المنقذ من الضلال و قوت القلوب و كتاب كشف المحجوب و طبقات المشايخ الاولياء العارفين، و رسالت [كذا] الامام القشيري... و سمّيته كنه الاواه في الفناء في الله. ۲

نویسنده (!؟) در هیچ جای کتاب نام و نشانی از خود برجای نگذاشته است، مگر در یک جا که اشاره‌وار می‌گوید: \* «... و قد اجاز الشيخ علاء الدولة - رحمه الله - بقية حفاظ المحدثين سراج الملة و الدين ابی حفص عمر بن علی بن عمر القزوينی روايةً جميع مؤلفاته و ما يجوز له روايته في يوم الخميس آخر شوال من سنة ست و سبعمائة ببغداد، و قد كانت ولادة الشيخ سراج الدين سنة ثلاث و ثمانين و ستمائة. و قد اجاز الشيخ سراج الملة و الدين اجازة عامة لفظاً و خطأ في سنة اثنين و ثلاثين و سبعمائة في يوم الخميس الرابع عشر من شوال لشيخنا بقية السلف الصالحين حافظ الحق و الدين الطاهري الخالدي الاوشي. و قد اجاز شيخنا هذا - رحم - لهذا الفقير اجازة عامة لفظاً و خطأ أولاً ببخارا - عُمِرَتْ و عُمِرَ اهلها في العافية مع حسن العاقبة و صانها الله تعالى و جميع بلاد المسلمين بفضلها عن الآفات و المخافات - في آخر شعبان من سنة ست و ستين و سبعمائة؛

و ثانياً في اواسط رجب من سنة ثلاث و سبعين ببخارا كذلك؛

و ثالثاً ببلدة اوش كذلك - عصمها الله سبحانه و جميع بلاد المسلمين بفضلها عزوجل من نوايب الزمان

و طوارق الحدثان. ۳

گذشته از اشاره نویسنده به مشایخش، از لا به لای مطالب کتاب به دست می‌آید که:

اولاً، تألیف آن نباید تازه‌تر از قرن هشتم باشد زیرا آخرین فرد از مشایخ که از او کلامی نقل شده است علاءالدوله سمنانی است؛

ثانياً، نویسنده از سلسله نقشبندیه و دلبسته عارفان خراسان است و هیچ ارتباطی یا ارادتی به ابن عربی و مکتب او ندارد و در سرتاسر کتاب رد پای از ابن عربی و شاگردانش و تعابیر ویژه ایشان در عرفان به چشم نمی‌خورد؛ ثالثاً، بیشتر مطالب کتاب نقل قول مستقیم از کتاب‌های اصیل و کهن تصوف خراسان است؛ آثاری که بسیاری از آنها مانند تاریخ الصوفیه ابو عبدالرحمن سلمی (۳۲۵ - ۴۱۲ ق) به زمان ما نرسیده و بسیاری دیگر مانند کتاب کشف از خواجه یوسف همدانی (۴۴۰ - ۵۳۵ ق) یا اصلاً تصحیح نشده و یا هنوز تصحیح انتقادی ندارد و این نقل قول‌های طولانی چه بسا در بازسازی مطالب برجای مانده از دسته اول و تصحیح مجدد دسته دوم به کار آید.

\* کارشناس ارشد رشته دین‌شناسی.

۱ نگارنده از عکس این نسخه موجود در مرکز احیاء میراث اسلامی در قم با شماره ۶۸۶ استفاده کرده است و بدینوسیله از همکاری متولیان بزرگوار این مرکز سپاسگزاری می‌کند. ناگفته نماند که در فهرست نسخه‌های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی (قم، ۱۳۸۰) نام کتاب سهواً «کنه الاواه فی الفناء الی الله» آمده است (۲: ۳۱۶).

۲ کنه الاواه فی الفناء فی الله، گ، اب، س ۸-۱۳. ۳ همان، گ، آ، س آخر تا گ، ب، س ۸.





به هر حال، این کتاب بسیار بارزش به نظر رسید و نگارنده به پیشنهاد استاد دکتر نصرالله پورجوادی و با نظارت ایشان و با یادآوری این مطلب که نوع کار نویسنده این اثر بسیار شبیه به کاری است که خواجه محمد پارسا (۷۵۶-۸۲۲ق) در فصل الخطاب کرده است، تصحیح آن را در دست گرفت، هرچند از همان آغاز راه، شک و شبهه‌هایی وجود داشت که دست و دل او را می‌لرزاند:

(۱) این نسخه ظاهراً منحصر به فرد است و در حد جستجوی ما نه تنها هیچ نسخه دیگری از آن وجود ندارد بلکه هیچ‌کس تاکنون با این عنوان برخورد نکرده است.<sup>۴</sup>

(۲) عنوان کتاب [=کنه الاوآه فی الفناء فی الله] ارتباطی منطقی با محتوای کتاب ندارد و خواننده از آغاز در شگفتی است که این چه نامی است که بر این اثر گذاشته‌اند.

(۳) همان‌گونه که در ابتدای سخن مشاهده می‌کنید، نویسنده، آداب المریدین نوشته ابوالنجیب ضیاءالدین سهروردی (۴۸۰-۵۶۳ق) را از شهاب‌الدین سهروردی (۵۳۹-۶۳۲ق) و عوارف المعارف شهاب‌الدین سهروردی را از ابوطالب مکی (د: ۳۸۶ق) می‌داند و بسیار بعید است که این از خطای کاتب باشد.

(۴) کتاب ناگهان و در وسط بحث به اتمام می‌رسد، آن هم نه با سلام و صلوات بلکه با یک «تمّ الکتاب» خشک و خالی. بنگرید:

قال النبی - صلعم - یقول الله - عزوجل: انا مع عبدی ما ذکرنی و تحرکت بی شفتاه؛ اخرجه فی شرح السنة باسناده عن الاوزاعی باسناده عن ابی هریره - رض - الحدیث. تمّ الکتاب فی نصف شعبان سنة ۱۱۳۲هـ.

القصة، تصحیح کتاب از نیمه گذشته بود که یک روز با خود گفتم بهتر است به فصل الخطاب نگاهم بیندازم و در شباهت‌ها و افتراق‌های آن با «کنه الاوآه» دقتی ویژه کنم، شاید در تصحیح و نیز در مقدمه‌ای که بر کتاب خواهم نوشت، به کارم آید. در ابتدا مطالب فصل الخطاب بسیار آشنا به نظر رسید، ولی وقتی کار به تطبیق رسید با یکی از شگفتیهای عالم کتابسازی و انتحال رو به رو شدم و همه شک و شبهه‌ها برطرف شد. در واقع «کنه الاوآه» همان «فصل الخطاب» است که یکی از کتابسازان کم‌مایه و گمنام احتمالاً اهل خانقاه نسخه‌ای معتبر و چه بسا کهن از آن به دست آورده<sup>۵</sup> و پس از کندن صفحه اول آن، خطبه‌ای جعلی و نامی جعلی تر بر آن نهاده و سعی کرده است انتهای صفحه جعلی با ابتدای صفحه دوم کتاب اصلی جور در بیاید که البته در این کار نیز ناموفق بوده است و بالاجبار کلمات یکی دو سطر آخر را کشیده و سه کلمه را نیز تکرار کرده بلکه طبیعی جلوه کند که البته نکرده است.

نکته دیگر آنکه حجم فصل الخطاب به تقریب دو برابر کنه الاوآه است. ظاهراً نیمی از کتاب خواسته کتابساز ما را برآورده کرده است و لذا کتاب را از وسط نصف کرده و برای اینکه زیاد هم خسته نشود فقط یک سطر از کتاب اصلی را در صفحه سمت چپ نوشته و کتاب را به پایان برده است.

همه این شاهکارها را در تصویری از «کنه الاوآه» خواهید دید. شاید زمانی نیمه دوم نسخه اصلی «فصل الخطاب» به دست آید که آن نیز با نامی و خطبه‌ای دیگر، آرزوهای یکی دیگر از اهل انتحال را برآورده کرده باشد.

<sup>۴</sup> پروفیسور یورگن پاول (Juergen Paul) که از متخصصان به نام نقشبندیه است در مکاتبه با استاد دکتر نصرالله پورجوادی اعلام کرد که در آثار نقشبندیه تاکنون به چنین عنوانی برخورد کرده است.

<sup>۵</sup> کنه الاوآه فی الفناء فی الله، گ ۱۳۹ ب و ۱۴۰ آ؛ فصل الخطاب، به کوشش جلیل مسگرنژاد (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱)، ص ۳۵۹، س ۱۰.

<sup>۶</sup> به نظر می‌رسد که برخی از مشکلات جزئی تصحیح کنونی فصل الخطاب به کمک کنه الاوآه برطرف خواهد شد.



۱۷۷

القریبی روایت جمع مؤلفاتہ وما يجوز له روايته في يوم الخميس آخر شوال فرسنت وسبعاء  
 ببغداد وقد كانت ولادة الشيخ سراج الدين سنة ثلاث وثمانين وسبعمائة وقد اجاز الشيخ سراج المذوّب  
 اجازة عامة لفظاً وخطاً في سنة اثنين وثلاثين وسبعين في يوم الخميس الرابع عشر من شوال شيخنا بقية  
 السلف الصالحين حافظ الحق والدين الطاهري الخالدي الاوشي وقد اجاز شيخنا هذا رم لهذا الفير  
 اجازة عامة لفظاً وخطاً اولاً ببخارا عمت وعمر اهلها في العائنه مع حسن العاقبة وصالنا الله  
 وجميع بلاد المسلمين بفضل عن الافات والمخافات في ارضستان فرسنت وسبعين وسبعمائة وثانياً في اواسط  
 رجب فرسنت ثلاث وسبعين وسبعمائة بخارا كذلك وثالثاً ببلد اوش كذلك عصمها الله سبحانه وجميع بلاد  
 المسلمين بفضل عز وجل من نوايب الزمان وطوارق الكدثان وقد ايشخ علماً الدوله ايفارم  
 في آخر تفسير سورة والجمع واعبدوايتها النوي العائنه لله اهو ايكم الله المعبود الحق سبحانه  
 الذي لا اله الا هو وليس في الوجود موجود مستحق للمعبودية الا هو بل ليس في الوجود الا هو  
 لان رؤيتك وجودك ذنب لا يقاس به ذنب ثم قال وهذا الذي كتبت يتوفيق الله عز وجل  
 والهام ما ورد علي قلبي دفعة واحدة من تفسير بطن القرآن واما تفسير حلال ولا يمكن كتابته  
 ولو كانت الاشجار اقلدماً والبخار مداداً والسموات قسطاً اللهم ثبت قلبي عي دينك وقوتي  
 عي استعماله نبيك الموصل الي حفرك صلح وقوله بل ليس في الوجود الا هو قد معني تفسير هذا  
 الكلام من كلام الامام حجة الاسلام رم وبعض المتأخرين صحتي كم وجود او وجود نيت  
 هستيش نهادن از حرد نيت وبعضهم ايضا رهنهم بيت بهر چه راهت كفتي از تگر و بار  
 كفتي اورا شريك هوش مي دار هستها تحت قدرت او بند همه با او و او همي جويند

۳۷۳

برگی از «کنہ الاواء فی الفناء فی اللہ»، از مؤلفی ناشناخته از سده ۸ ق (خوی، مدرسه نمازی، ش ۵۳۵).